

تلاش خود را کردند و همان جنرال کار کشته خود را آورده بودند در رأس کار که الحمد لله او هم تکام شد و ده ها نفر مشهور دیگر شان در جنگ ها کشته شدند و فعلاً از جمله اسیران ما چند نفر شان موجود است که آنها فعلاً از جمله ارتشی های پاکستان هستند از جمله فوجی های شان هستند که این خودشان می دهد که آنها اعتراف نمودند که واقعاً دست اسران پاکستان دخیل است.

در غیر آن این کار از دست چند نفر افراد رضا کار ساخته نیست.

دست ارتش پاکستان دخیل است و عملاً میلیتاری پاکستان در صحنه حضور دارند.

در اخیر اگر بیانی عنوانی مردم افغانستان و مجاهدین داشته باشید بفرمائید؟

• من پیام دیگری ندارم فقط همیشه می گویم که امیدوار هستم به نصرت خدا و تجربه تاریخی و سرگذشتی را که از جنگ انگلیسی ها و تجاوز شوروی ها داریم و این را تجربه ثابت ساخته و مردم عامی فهمند که هر کسی که به قصد اشغال و ظن ما آمده شکست خورده، بدنام شده و سر افکنده و خجالت از این وطن خارج شده. اگر متجاوزین در این سرزمین پیروز می شدند، شوروی سابق که بزرگترین ابرقدرت دنیا بود و مردم از گرفتن تاش می ترسیدند باید پیروز می شد.

پاکستان نباید تجربه تلخ گذشته را تکرار می کرد و پند و عبرت می گرفت از تجاوز پشیمان شوروی سابق و گذشته انگلیسها در کشور ما. امروز هم که پاکستان در کشور ما تجاوز کرده و میخواهد که عملاً افغانستان را در اشغال خود داشته باشد، انشا الله خواب و خیالی بیش نیست. همانطور که دو ابر قدرت دیگر هم در گذشته سر افکنده، خجالت و مضطرب شدند امید وار هستیم که پاکستان هم با این تجاوز پشیمانان ای که به کشور ما نموده و باعث تا امنی، وحشت و جنگ تحمیلی بالای مردم ما شده، امید وار هستیم که بزودی شکست بخورد.

ما به مردم خود اطمینان می دهیم که انشا الله شرایط بدو سختی که تا حال بالای مردم ما آمده گذشتنی است. قسط مقاومت و ایستاده گی کار است در برابر آخرین لحظات و آخرین مراحلی که امید وار هستیم مراحل دشوارش سپری شده باشد. از همه مردم ملحشور ما تقاضای من اینست که در برابر طالبان پیچ شوند و بخاطر عزت و شرف، حفظ استقلال وطن و بخاطر دفاع از لنگ و ناموس ما یکبار دیگر همانطور که تا بحال مردانه ایستاده شده ایم به مقاومت خود ادامه بدهند و همانطوریکه تصمیم قاطع در مورد دفع تجاوز پشیمانان پاکستان دارند امیدوار هستیم با حوصله مندی به همین اهداف اصلی که حفظ استقلال و آمدن یک امنیت و آسایش در وطن ماست و دفاع از عزت و شرف ماست بزودی نایل انیم.

محترم عظیمی صاحب همراه یا مجاهدین مربوط خویش، حاجی صاحب شیرعلم رئیس شورای کابل یا جمعی از قوماندانان کوهدامن و کابل واقعاً نقش اساسی و محوری خود را داشتند. در پروان مسول لوای پروان حاجی صاحب التماس خان و جان احمد خان معاونش جمیع قوماندانان مربوط شان نقش اساسی را داشتند. جنرال بایه جان یا جمیع قوماندانهای جهادی یگرم، در ولسوالی جبل السراج و سید خیل بولاسا صاحب سید خیل یا جمیع متولین و مجاهدین و قوماندانها یش فعالیت چشمگیری داشتند و همچنان برادران ما در سالنگ هم وقتی که در سالنگ حمله شد، بصیر خان و دل آغا خان هم در آنجا نقش مهم داشتند. برادرانی که در غوربند بودند هم نقش اساسی داشتند و یکتعداد قوماندانان دیگر نیز از جمله تور حیب خان، خواجیه صاحب بی بی در مرکز چاریکار در جنگ مهم اساسی داشتند. ملا صاحب تاج محمد واقعاً در این جنگ مهم بسزایی داشتند. چون نام های شان بسیار است و می شود که بعداً لیست آنها برای شما آماده کنم.

• مشخصاً به نظر شما نظامیان پاکستان شایسته خند در جنگ شرکت دارند؟

• ما صدای پاکستانی ها را چون در خط نزدیک هستیم دو امدار می شنویم. آنها در چندین نقطه در مقابل ما پایگاه دارند؛ هم عرب های بن لادن هستند هم پاکستانی هستند. دو امدار صدای شان را می شنویم و صدای شانرا ضبط کرده ایم و هرکسی که بخواهد من ثابت می کنم که عملاً پاکستانی ها در جنگ وجود دارند.

ما فعلاً اسران پاکستانی را با خود داریم و آنها به طور وسیع در میان طالبان وجود دارند.

• دلیل آنها اینست آمده پاکستانی ها که در کنار طالبان می جنگند ظلم های مدرسه هستند و یا سایر افرادی که نظر به انگیزه های مختلف پهلوی شان قرار می گیرند شما نا حال از صاحبصحبان پاکستانی که مشخصاً مربوط به ارتش آن کشور باشند و اعتراف هم کرده باشند در اختیار دارند؟

• آنها مجبورند بخاطر اینکه مداخله بی شرمانه خود را پوشانده باشند ادعای کنند که یکتعداد افراد رهبا کار از مدار من است که میروند در جنگ افغانستان بر علیه مجاهدین اشتراک دارند و گویا ارتش و حکومت پاکستان در رابطه مهمی ندارد. در حالیکه قضیه بر عکس است. بلی از فوجی های پاکستان، ارتش پاکستان و صاحبصحبان بسیار ورزیده اش در بخش های مختلف و در زوئهای مختلف در اداره مناطق توظیف هستند. مخصوصاً در حالت های جنگ افراد بسیار ورزیده شان اشتراک می کنند و قوماندان جنگ را در دست می گیرند. جنگی که در سال قبل به وقوع پیوسته بود و خدمت شما عرض نمودم در شمالی، یک صاحبصحب قوی شان و یک جنرال بسیار مشهور شان که در جنگهای کشمیر هم اشتراک کرده بود به افغانستان آمده بود چون جنرال مشرف در کار گیل شکست خورد بنام میخواست که همان جنرال، شکست خود را در داخل افغانستان بجبران بکند یعنی در پیروزی طالبان و در ضربه زدن مجاهدین و دولت اسلامی، به این ترتیب آخرین



قوماندهان بسم الله خان در گفتگو با مجله میهن:



پاکستانی‌ها عملاً در جنگ سهیم و قوماندانان جنگ را در دست دارند

مدتی مسئولیت یک گوشه خط جنگی را در کابل در استقامت سنگ نوشته و چهار آسیاب (برای ملت یکسان) پندوش داشتم و در شرایط حاضر مسئولیت خدمتگزاری در جبهات پروان را به عهده دارم. **○** نظر به سابقه اینکه شما در سلسله میسازات مردم ما در برلاس متجاوزین دارید. تفاوت میان تجاوز شوروی و پاکستان را اساساً در چه میدانید؟

● تفاوت در همین بوده که دیروز یک کشور همسایه ما بعنوان یک کشور ایر قدرت، وحشی و جهانخواه که قصد گرفتن همه عالم را داشت در افغانستان تجاوز کرد و وطن ما را در اشغال خود در آورد و میخواست کشور ما را در کام خود فروبرد و به اهداف خود خود برسد که الحمد لله به ایستادگی مردم ما به این هدف خود نایل نگردد.

امروز که پاکستان هم تجاوز کرده و باز هم کشور همسایه دومی ما وقتی این بعنوان یک کشور اسلامی و کشور برادر و نباید این جنایت را مرتکب می شد. اما امروز پاکستان چون شوروی دیروز، دست به تجاوز پشیمانانه برده است.

قابل یاد آوری است، این مرد سنگر مقاومت که متولد قریه شیخان رخت پنجشیر می باشد، در سال ۱۳۵۸ در صف جهاد و مبارزه علیه قوای متجاوز شوروی قرار گرفته است. نباید باقی کارنامه های این فرمانده نستوه را از زبان خود شان بشنویم:

در طول مسئولیت در جهاد و مبارزه، یا محترم آمر صاحب عموسی (احمد شاه مسعود) همراه بودم و تقریباً به مدت بیشتر از پنج سال بطور دوامدار بعنوان دستیار باوی همکاری داشتم. زمانی که مناطق تحت کنترل مجاهدین وسعت پیدا کرد، این مناطق به چندین زون تقسیم گردید.

من در سال ۱۳۶۲ بحیث معاون زون مرکز که مشتمل بر ساحات پروان و کاپیسا بود تعیین شدم. البته محترم عظیمی صاحب در آن زمان، بحیث آمر زون اجراء و وظیفه می نمودند. و تقریباً مدت پنج سال و طبقه خود را در همان پست و در خدمت برادران مجاهد در همان تشکیل انجام دادیم. هنگام سقوط رژیم فیلی و پیروزی دولت اسلامی، حدود سه سال بحیث مسئول فرقه (۴۰) و افسران هوایی بگرام ایفاء وظیفه نمودم.



زمان آزادی هر ملتی را، اراده آن ملت تعیین خواهد کرد

گفتگو با عبد الله خان قزم قل

فرمانده ارشد مجاهدین ولایت کندهار

○ وضعیت داخلی مناطق تحت حاکمیت جبهه متحد چگونه است؟ آیا بر ترمه های بهتری در جهت تامین امنیت و آرامش هر چه پیشتر مردم در این مناطق روی دست است؟

● به فضل و احسان خداوند بزرگ (ج) در مناطق تحت کنترل جبهه متحد اسلامی وضعیت کاملاً آرام بوده و مردم بصورت آزاد بکار و زندگی خویش مصروف میباشند و مجاهدین سعی دارند تا این امنیت و رفاه مردم برای همیشه محفوظ بماند.

○ چشم دید ها و خاطرات خود را از جنایات ملیشای پاکستانی و طالبان در مناطق تحت اشغال شان، بیان کنید.

● گرچه جنایات طالبان و ملیشای پاکستانی به حدی است که ذکر آن نباید کنایی درشت شود اما دشمنترین و ترسناکترین ترس خائوفه بنده ایست: روزیکه طالبان به تودان قریه ای در شرق قندهار رسیدند یک زن را با سه طفل در غار پلندی لداختند و به شکل فجری به شهادت رسانیدند و دیگر اینکه بارهگیر کردن یک کاروان که حامل مواد غذایی در خدمت مردم بود، صد راس الاغ را اما مارپشتش، آتش زدند.

○ پیام شما به مردم آزاده و به اسارت گرفته شده افغانستان در شرایط کنونی چیست؟

● پیام من به هم وطنان آزاده ام در هر کجایی که هستند اینست که چون کسی بپوش از آزادی نیست باید برای بدست آوردن آن باید مبارزه کرد و بدون دشمن فعلی ما خطر ناکتر از دشمن قبلی (شوروی متوفی) است بهای باید به مراتب قویتر از اول در مقابل این دشمن مبارزه و ایستادگی کرد و مردم ما باید در پهلوی فرزندان مجاهد شان با ایمان و اعتقاد قوی مبارزه خود را تاز هائیکه کامل کشور ادامه بدهند و ما باید بدانیم که بدون مبارزه امکان آزادی زیستن برای ما وجود ندارد. چنانچه دانشمندی میگوید:

زمان آزادی هر ملتی را اراده آن ملت تعیین خواهد کرد و هرگز آزادی را در طبق سبیلین به متنی تقدیم نخواهند کرد.

فرمانده عبدالله خان قزم قل، فرزند حاجی محمد در سال ۱۳۶۴ در قریه قزم قل و لسوالی خان آباد ولایت کندهار متولد گردیده و از سال ۱۳۷۵ به بعد به صف جهاد و مجاهدین پیوسته است. موصوف در دوران جهاد بر علیه رژیم کمونیست شوروی و بعد از آن در مقابل متجاوزین پاشتانی بهیت فرمانده در پهلوی مجاهدین مصروف مبارزه و سکار می باشد. اینک به پاسخ های این فرمانده محبوب گوش فرامی

سیم

○ مشخصاً در باره گروه طالبان و چگونگی ایجاد آن نظم خود را بگویند.

● بعد از ایجاد حکومت اسلامی در افغانستان و پیروزی مجاهدین، چنانچه مرجوعه بود، یک حکم به نفع اسلامی و متعلق آنها، کابل از ملت مسلمان و قویتر یکباره با وجود نداشتن تجهیزات درست و امکانات کافی و تنها با زور ایمان در مقابل آن قدرت حاصلی شرق مایه آمده و آنرا به زانو در آورده برای آمریکا و دیگر کشورهای غربی شیر قابل تمس بود بنام دشمن انواع روش ها را از قبیل: ایجاد اختلافات بین قومی میان گروه های مجاهدین و بره انداختن جنگ های خونین از جمله کودتای یکساله شورای محاصره را برای سقوط دولت مجاهدین بکار گرفت و چون این روشها اثباتی بجای نگذاشت، بناء بدین نتیجه رسیدند که چون ملت افغانستان یک ملت مذهبی و محکم به اعتقادات اسلامی هستند باید شیوه دیگری را برای اشغال آنها بکار گرفت و آن همین تشکیل تحریک طالبان است که امروز بایلیاس و سن و مذهب، انواع ظلم و تعدی را بر ملت مظلوم ما را میدارند.

○ آینده مقاومت را در برابر تجاوزات پاکستانی ها چگونه می بینید و شخص شما چه تصمیم دارید؟

● بنده متیقن هستم که ملت آزاده افغانستان در مقابل تجاوز مزاحم نکرده و حتی تا نابودی آخرین شر دشمن و آزادی دور ترین نقطه کشور، دست از مبارزه نخواهند کشید و شخص خودم عده بسیاری در دهه هجری آخرین رتق مر پهلوی ملت آزاده خود مبارزه خویش را ادامه خواهم داد.



پاکستانی‌ها فجایعی را که تحت نام طالب

انجام دادند، اسلام را بدنام ساختند

گفتگو با محمد ظاهر وحدت

از فرماندهان مؤثر دره صوف

بنام خداوند در هم کوشیده

شمرگان

باساس و تشکر از شما و از همه گرداننده گان مجله و زین مبین که زمینه بیان و بازگو نمودن درد ها و رنج های ما و مردم ما را برای خوانند گان محترم مجله مساعد نمودند.

قبل از این که به سئوالات شما در این شرایط حساس از کشور مظلوم ما افغانستان پاسخ گفته باشم درود و سلام خود را تار ارواح مقدس و مطهر شهدای انقلاب اسلامی افغانستان میازم که برای دفاع از دین مقدس اسلام، استقلال، آزادی و تمامیت ارضی کشور، جان شان را از دست دادند. روح شان شاد و یادشان گرامی و راه شان پر رهرو باد.

اینجانب محمد ظاهر وحدت فرزند حاجی غلام خلی از توابع ولایت سمنگان ولسوالی دره صوف میباشم بعد از کودتای تلگین هفت شور و اشغال کشور توسط ارتش سرخ شوروی سابق، در سال ۱۳۶۰ برای دفاع از مکتب توحیدی اسلام و سرزمین آیینی خویش در کنار سایر مجاهدین قرار گرفته به مبارزه مسلحانه تا سال ۱۳۶۳ ادامه دادم. از سال ۶۴ به بعد مدتی را در تحصیل علوم دینی سیری نمودم و در سال ۱۳۶۹ مجدداً به شکر برگشتم. در جوکات حرکت اسلامی افغانستان عهد و دار مسئولیت سیاسی جبهه گردیدم.

در ولایت سمنگان ضمن اینکه مسئولیت سیاسی را به عهده داشتم به سازماندهی نیرو های نظامی نیز پرداختم. در جنگ های تحمیلی سال ۱۳۷۴ در ولسوال دره صوف در کنار برادر مجاهد استاد عطا محمد خان رئیس سیاسی - نظامی زون شمال و سایر مجاهدین و مدافعین دولت اسلامی بودم قبل از در ولسوالی متذکره مشغول مبارزه با طالبان متحجر و با داران خارجی شان هستیم.

○ تجاوز پاکستان را چگونه ارزیابی می کنید و تفاوت آن با تجاوز روسها چیست؟

■ در مورد تجاوز خدمت شما و خواننده گان محترم به عرض برسانم چنان که میدانید وقتی کلمه تجاوز به کار برده میشود فرق ندارد که تجاوز گر کیست و از کجاست، کافر است یا مسلمان، از شرق است یا از غرب، از شمال است یا از جنوب. همان طوریکه خداوند تعالی در قرآن کریم برای مسلمانان، با صراحت دستور جهاد و مبارزه در برابر منجوزین و فاسدین را میدهد. اما تفاوت برین است اگر روسها به کشور اسلامی افغانستان به عنوان یک قدرت غیر اسلامی حمله و تجاوز میکنند جای سوال نیست زیرا که تجاوز و شدت با اسلام خوی شان بوده است.

ولی پاکستان به عنوان یک کشور به اصطلاح اسلامی جسمی از فراریان و ضد انقلاب افغانستان را انجام داده تحت نام طالب و ملا با تعداد کثیری از پیشیای خود به کشور ما یورش آورده. مرتکب حواریان جنایت بلکه بدتر از شوروی ها گردید.

و با افعال فجیعی که انجام دادند در واقع اسلام و مسلمین را بدنام ساختند.

به گفته یکتن از دانشمندان: «برای نابودی یک حقیقت با آن خوب مبارزه نکنید بلکه از آن بد دفاع کنید». امروز در کشور ما پاکستانی ها هم بنام طالبان از اسلام بد دفاع میکنند و با این عمل شان میخواهند مکتب اسلام را به دنیا پوچ و بی مفهوم جلوه دهند.

○ انگیزه ایجاد طالبان توسط پاکستانی ها چه بوده است؟

■ در مورد گروه طالبان و ایجاد آنها باید گفت بعد از سقوط حکومت کمونیستی در کابل و پیروزی مجاهدین، کار شکنیه علیه دولت اسلامی آغاز گردید و قبل از این که بعضی ها بر نوشت مردم و تمامیت ارضی و طن و پاسداری از خون بیش از یک و نیم میلیون شهید و آواره گسی و در بدری میلیون ها افغانی به اردوگاه ها و پشت مرزهای دیگران، بندبشند به فکر چوکی های کلیدی افتادند. و در آن برهه حساس، دوشمنه را مطرح می کنند: یا بر آورده شدن خواست های شان و با مویشک یاران مردم مظلوم و بدفاح شهر کابل که بدبختانه در راه دوم سی روند. همین آقا یون امروزه از رسانه های خبری دنیا اعلام بیطرفی و قطع جنگ و محکومیت طرفین در گیر را سر میدهند. در حالیکه همین عناصر وابسته به اجانب بودند که از بوجود آمدن یک حکومت قدرت مند اسلامی و ملی هراس داشتند و در حقیقت با دشمنی با مجاهدین و دولت اسلامی، زمینه ایجاد طالبان و تجاوز پاکستان را فراهم ساختند.

○ برادر مسئولین امر، بر و ۱۰۰ هزار
 رهبری جامعه افغان چه پشهادی دید؟
 * پیش نهاد من برای رهبران
 جهادی و سران جبهه متحد دولت اسلامی
 این است اگر میخواهند وطن و ملت
 مظلوم ما را ازین بحران نجات داده درس
 عبرت باری بگیرند، برای نجاتبخشانی
 و مزدوران داخلی آنها داده باشند؛ همه
 باهم با استیفاء از گذشته های درد آور و
 کشمکش های بیسوده، آینه بارکزه و
 اغتصاوا بحل الله جمیعا... را عملاً
 سرمشق شان قرار داده دست اخوت و
 برادری بسوی هم دراز نکرده در یک صف
 واحد قرار بگیرند که این عمل با توجه به
 تجربه تاریخ باعث نجات کشور از وضع
 قلاکت بار فعلی و آزادی ملت مظلوم و
 مسلمان ما از پلنگی خواهد شد.
 ○ از جنایات طالبان و پادگان شان
 برای ما بگویند. اثرات این جنایات در
 روحیه مردم ما چگونه بود؟

* شما پیام داری که طالبان در آغاز حرکت و بدو ورودشان به افغانستان، شعارهای
 فریبه و دهن پرکن را از قبیل تأمین امنیت و غیره سر دادند ولی بزودی دیده شد که پس از بدست
 آوردن قدرت، نسبت به کشتارهای دسته جمعی زده مطابق به دستور پاداران پاکستانی شان، شعار
 های قومی و اختلافات قومی را در میان مردم افغانستان دامن زدند و تمامی سرمایه های مادی و
 معنوی سرزمین ما را به باد دادند. ولی باید بگوئیم که مردم مجاهد افغانستان اکنون چهرة کیف این
 جنایتان را شناخته اند و جبهه مقاومت روز تاروز در برابر این مزدوران و پاداران پاکستانی آنان و سبع
 تر شده می رود.

از جمله در ولسوالی دره صوف شصت و دو جوان هستند پیش از دو سال است که مردم قهر
 مان دره صوف بدمشی خالی و محاصره چهار جانبه و لیوداسکانات کالی با اوارده آهین بر خلاف
 تصور دشمنان ما در برابر طالبان متکبر و پاداران خارجی شان مقاومت نمودند. مقاومت دره صوف
 برای دشمن درد سر عجیب است. که به اعتراف خودشان، نجات ازین مهلکه برای آنان ممکن نیست.
 ○ در اخیر اگر گفتی ای داشته باشید، بفرمائید.

* در پایان، از سازمان ملل متحد و مجمع بین المللی جداً تقاضا مینماید معضله افغانستان را
 جدی بگیرند و بر پاکستان فشار وارد کنند تا آمادة قطع تعلق از کشور ما گردیده، به شغال و
 جنایت خود در سرزمین خونچکان ما خاتمه دهند.
 همچنین از نهاد های کمک رسانی جهان تقاضا میکنم یادآوری به ۳ سال تشنگانی و اسفاد
 در افغانستان اگر توجه جدی در بخش کمک رسانی نکنند، جهان شاهد مهاجرت های بیسابقه و
 قاجعه عظیمی خواهد بود. از افغانان سرافراز و با نام و لسانی دره صوف که بیش از دو سال است
 در محاصره کامل طالبان قرار داشته و هیچگونه کمکی به آنها فرسیده است.
 با تشکر مجدد از شما.



یکی از سیاست های استعمار، ایجاد تفرقه است

گفتگو با الحاج حبیب الله فرمانده جبهات بلخ

رساندن پیام را به مردم مظلوم و ستمدیده عزیز و مهاجرین و غریب
 قمان مهیا نموده اند.
 اسم من حاجی حبیب الله فرزند حاجی امان الله متولد سال
 ۱۳۴۲ ولسوالی شولگرو و لایت باستانی بلخ میباشم. تحصیلاتم را بعد از
 ختم لیسه الی دارالمعلمین ادامه دادم. تا آنکه حسدای جهاد عقلمی در
 کشور ما طغیان انداز شد و در آن موعده ۸۰ سال کشور

در ذیل مصاحبه الحاج حبیب الله خان یکن از فرماندهان ارشد
 جبهات ولایت بلخ را خدمت خواننده گسان اوجمتد تقدیم میداریم.
 در رابطه با سابقه مبارزاتی خان به سوال غیر لگاریه چنین
 گفتند:
 نخست سلام و احتراماتم را خدمت خوانندگان گرامی مجله
 میهن قدیم داشتم و از مؤلین مجله اظهار سپاس مینمایم که زمینه

نمود. تجاوز روس ها در افغانستان، مشهود و برای هرکس قابل درک بود ولی تجاوز پاکستان تحت پوشش و نقاب است. این تجاوز نهایتاً خطرناکتر و قابل توجه بیشتر میباشد. روس ها در تجاوز شان نهایتاً توسعه طلبی و صدور فرهنگ کمونیستی را به افغانستان مد نظر داشتند و با ابر قدرت غرب در سایه بودند.

ولی اهداف تجاوز پاکستان قرار ذیل است: استعمار غرب پس از به قدرت رسیدن مجاهدین و از هم پاشیدن شوروی بفکر تازه می افتد و خطر جهانی شدن اسلام را تصویری کند و در برابر جهاد افغانستان به جنگ و سبزه بر می خیزند تا در برابر دین مقدس اسلام و آزادی خواهی مسلمان سبزی بر پا نمایند. در تجاوز فعلی که از طرف پاکستان به کشور ما صورت گرفته نقاط قابل توجهی موجود است اول اینکه پاکستان درین تجاوز از نام پاک دین مقدس اسلام سوء استفاده نموده و به منظور بد نام ساختن اسلام، جهاد و مجاهدین هزاران شخص متغور و جنایتکار و کمونسیت های خود فروخته را لقب ملا و طالب داده و به افغانستان مارش نموده است و بدینوسیله میخواهد ملت بخون خفته و درد دیده ما را تریب بدهند.

و از جانب دیگر ملت مسلمان و سرزمین تاریخی ما را با این عمل ضد بشری شان، نزد جهانیان بد نام نمایند. بنام این تجاوز و حشمتا کثر از تجاوز روس ها می باشد.

○ در ارتباط به گسترش جبهه مقاومت علیه دشمن و انسجام هرچه بیشتر امور در عرصه های نظامی و سیاسی چه پیشنهادی دارید؟
● تجاوز به گذشته نشان داد که یگانه عامل شکست سوء تفاهم، تفرقه ها و تفرقه گرایی ها بوده است. طوریکه در مقاومت اخیر دقت نمائیم یکی از عوامل مقاومت همانا یکپارچگی، و حدث عمل و نظر میباشد و این کاملاً مشهود است که سه سالار عزیز ما محترم احمدشاه مسعود در مورد مقاومت استراتژی مناسب انتخاب نموده و همه ملت ها و اقشار جامعه ما را دعوت به برادری و برابری نموده و این بهترین پایه امید واری و پیروزی ما الشانه در آینده می باشد. من معتقدم که ملت ما بیشتر از پیش متحد و یک پارچه عمل خواهد نمود.

○ آینده مقاومت را در برابر این تجاوز چگونه می بیند و شخص شما چه تصمیم دارید؟

● آینده این تجاوز به گواه تاریخ ثابت است یعنی هر تجاوز درین سرزمین جواب دندان شکن خواهد داشت و برای شخص

چهره تابناک جهاد استاد ذبیح الله شهید با ایجاد اولین مرکز مبارزه علیه کمونیسم قیام نمود. من هم بنابر عقاید اسلامی و ارتباط با شهید نامدار در تماس شدم و تحت رهبری ایشان به فعالیت های شهری آغاز نمودم. متعاقباً حسب هدایت استاد ذبیح الله شهید با عده ای از مجاهدین و قوماندانان به تعلیمات نظامی مشغول شدم و بعد از ختم تعلیمات نظامی بطور مسلحانه در کنار سایر قوماندانان و مجاهدین به جهاد مسلحانه ائی اکنون ادامه داده ام. در سال ۱۳۶۳ هجری شمسی استاد ذبیح الله جام شهادت نوشید و به رحمت حق پیوست. بعد از آن حادثه جریان تا پذیر به تقاضای مردم و مجاهدین و لوائی شولگره بحیث سرگروپ مجاهدین و در سال ۱۳۶۵، استاد اعظم محمد خان که مسئولیت معاونیت جبهه را به عهده داشت از طرف آن مقام بنده بصفت قوماندان مرکزی و لوائی شولگره تعیین گردیدم. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در افغانستان از طرف مقامات و وزارت دفاع دولت اسلامی افغانستان بحیث قوماندان لوائی پیاده در شمال کشور تعین شدم. ولی این صدت با درک وظایف خود چه در برابر تجاوز روس ها و چه در برابر تجاوز پاکستانی ها ادای مسئولیت نموده ام که امید وارم خدماتم موجب رضای خداوند تعالی و نجات هم میهنانم از تجاوز بیگانگان گردد.

○ نظر شما در باره تجاوزات ملیشیای پاکستانی بنام طالبان چیست؟

● واژه تجاوز یعنی از حد بیرون شدن و نفسی این واژه رادر سرنوشت تاریخی ملت افغانستان به تفسیر بگیریم به مفهوم آن پی می بریم و نتیجه آنرا یخوی درک مینمائیم. تجاوز هر اسم و رسمی که داشته باشد تجاوز است. چنانچه تاریخ گواه است ملت قهرمان افغانستان بار بار مورد تجاوز اجنبی ها قرار گرفته و این تنها ملت افغانستان است که مردانه بیرق اسلام را بلند نگهداشته است و جواب هر تجاوز را چنانچه می باید داده است. در روزگاری که ماحیات بسر میریم و در صحنه یودیم شاهد تجاوز بزرگ بیرحمانه ای هستیم و با آن نتیجه نرم میکیم. زمانی که روس ها به مثابه غول و حشمتاکی جهان را تهدید میکرد و در اوج این وحشت به کشور عزیز ما حمله ور شدند. با آنکه ملت ما دست خالی بود ولی با توکل به خدا جل جلاله کمر همت بست که نه تنها طول پیداد را شکست داد بلکه به فرموده جناب آمر صاحب عمومی (احمد شاه مسعود) نه تنها سرزمین افغانستان بلکه ملیون ها انسان را آزادی بخشید و بار دیگر تجاوز و نتیجه آنرا به جهانیان ثبوت

بده بهتر از مبارزه بر حق و اداسه آن هیچ چیزی شیرین تر نخواهد بود.

○ اهداف پاکستان و دشمن را در جهت دامن زدن تعصبات قومی و لسانی در چه میدانید؟ این توطئه ها ناهیه خدا به نفع دشمن تمام شده است؟

● یکی از نحوه سیاست های استعماری همانا ایجاد تفرقه است و پاکستانی ها خواستند این میثود استفاده اعظمی نمایند. این عمل توانست برای مدت کوتاهی زمینه پیشروی تجاوز را مهیا نماید اما برودی ملت سرچشمه گردید و اکنون مردم افغانستان به مینوهای استعماری پی برده و روز تا روز وحدت ملی ما مستحکمتر شده میرود از نظر اسلام تعصب جواز شرعی ندارد. همانا برتری در تقوا است.

○ پیام ثان به افغان های داخل و خارج افغانستان خصوصاً سیاست مداران چیست؟

● من از همه ملت مسلمان و غیر متحد افغانستان صیانه تقاضا مینمایم تا دست روی دست هم دیگر گذاشت با احساس وحدت ملی، وحدت نظر و عمل صادقانه و دلسوزانه در آزادی وطن و حفظ دین مقدس اسلام و سرزمین عزیز شان در هر جایی که هستند گام های مثبت بردارند و از همه سیاست مداران آرزو دارم تا موقف مردم سرزمین شانرا در نظر گرفته گام های عملی در جهت اعصار افغانستان و انیام یحییدن به دردها و رنج های این ملت بخون خفته و ویران شده بردارند و مرجع سرافرازی مجدد این ملت شهید پرور شوند. در اخیر از بازگشاه حضرت الهی به ملت مظلوم افغانستان دعای خیر و انجای کمک مینمایم.

در یک نوبت شهر نهرین را از وجود کماندر های پاکستانی پاکسازی نمودیم.

گفتگو با حاجی آقا جان فرمانده عمومی خطوط میدان هوایی بگرام



غروب یوده است. پلی بنده حاجی آقاجان فرمانده عمومی خطوط میدان هوایی بگرام، و زادگاهم دره سنجن که از مربوطات کوهی های ولایت کاپیسا است می باشد. در ولسوالی کوهستان سکونت می نمایم. چهل و دو سال عمر شرم. تحصیلات خود را تا دوره متوسطه در مکتب یتیمار شهید به پایان رسانیدم و در باب مسائل اسلامی از محضر عالم بزرگوار عبدالمعروف خطیب مسجد جامع مغلان، قیض ها برده ام. پس از قدرت رسیدن کمونیستها در نور ۱۳۵۷ در جای بنای میهن اسلامی ما خلقی ها و پرچمی ها متینگ های بر پا میداشتند و تشکیل میدادند. شهر کهنه بغلان شیر در یکی از روزها زیر لگد کوبی آنان قرار گرفت. بنده با چند تن از همراهان خود که با من همراز بودند در ناصبه نه چندان دور تلهار، گر اوضاع شهر و تشکیل متینگ شان بودیم. در حین اتن و حمل ردن آنها، من با هفت تن از جوانان پر تحرک، با صدای کوبنده تکبیر بالای شان حمله نمودم. اکثر اهالی شهر که مردمان مؤمن و مسلمان بودند به کمک و یاری ما پیوستند. درگیری شدیدی رخ داد و چهار ساعت طول کشید. شش تن از کمونیستها به شمول آمر صندوق تعاونی بغلان به قتل رسید. قوتبای زیادی از پلخمری در طراف فابریکه قند چلیچا و به شهر کهنه حمله نمودند بنده از همان سال با دولتی از برداران خود به سجن که یکی از نقاط بسیار مهم و استراتژیک کوهبندهای ولایت کاپیسا

○ لطف نموده در قدم اول خود را معرفی نمایید و اینکه از کدام سال به اینطرف در عرصه جهاد اسلامی قرار گرفته و تاکنون چه وظایف و مسئولیت هایی را در این زمینه بهعهده داشته اید؟

● با لشکر نروان از اداره محترم مجله میهن، پرسش شان بکبار دیگر مرا به باد و خابره دوران جهاد و مبارزه بر حق ملت خداپرست مساعیه قنای متجاوز شوروی سابق فرا می خوانند. بقنا افغانستان کشور است آزاد و آزادیخواه تاریخ مبارزات می امان، شاهد سازش ناپذیرها و دشمن سزیهای ایست میهن اسلامی و با

مجاهدین افغانستان یا حمایت‌های همه جانبه خود توطئه خطرناکی را بر علیه این ملت پا برخته و زجر کشیده براه انداختند ولی الحمدلله بزودی چهره های ناپاک نشان افشاء و جلو دمیسه و توطئه های شان توسط فرزندان میر مسجدی خان و میر بچه خان گرفته شده و ما با اطمینان خاطر میگوییم شایمانیکه وراثتین و پیروان این دو فهردان نامی وطن عزیز ما به سرپرستی برادر قانع و قهرمان سلس افغانستان احمد شاه مسعود در رگه شان خون جریان داشته باشند! پاکستان و مزدوران شان به اهداف شوم خود نائل نخواهند شد.

❖ مشخصاً در باره گروه طالبان و چگونگی ایجاد آن نظم خود را بگویند؟

❖ پاکستان و آی اس آی از دوران جهاد با مجاهدین و ملت مسلمان ما در پشت پرده بسیار تعدادی از عناصر فروخته شده و مزدور، کمر دشمنی را بسته بود که با تشکیل دولت اسلامی آن را آشکار ساخت و از نخستین روزهای پیروزی مجاهدین، حکام پاکستان ز صده جلوهگیری از تشکیل یک دولت قوی و نیرومند برآمد و توطئه های بزرگی را پیش گرفت که بعد از شکست مزدوران اولی اش «مزدوران دیگری را به نام طالب و ملا بغاظر نابودی جهاد و انقلاب اسلامی که از انتخابات ملت ماست روی صحنه آوردند و تقویت بخشیدند، اما ملت پیدار دل ما بزودی دشمنان را شناخت و در گوشه گوشه وطن عزیز ما، جبهات مقاومت را به رخ شان کشود.

❖ فعلاً در سلسله مقاومت ملی افغانستان که در نفس خود یک مقاومت سرتوشت ساز برای کل کشور می باشد شما در کدام محاذ و موقعیت قرار داشته و در جنگ های اخیر در برابر ملیشای پاکستانی و طالبان، چه نقشی را ایفاء نمودید؟

❖ در سلسله مقاومت های ملی که یقیناً ماهیه نجات کل کشور محسوب می شود، باید بگویم هجوم ملیشای پاکستانی در سال ۱۳۷۷ که بدنه مسئولیت خطوط جنگ و دولتی نجرات ولایت کاپیسا را به عهده داشتیم، در همان سال به نصرت الهی ما آنکه دشمن یا سلاحهای پیش رفته و مدرن و مقابل ما ایستاده گئی از خود نشان میداد، توانستیم ولسوالی مذکور را از لوث انسان پاکسازی نماییم و در نیمه سال ۱۳۷۷ مسئولیت خطوط نجرات، نگاب و کوه صافی را به عهده داشتیم در هر سه خطوط، دشمن تلفات سنگین و کمر شکن را متحمل شد. در نتیجه کوه صافی را از وجود ناپاک دشتستان پاکسازی نمودیم. در سال ۱۳۷۸ مسئولیت جنگهای هجومی شهر تهرین ولایت بغلان را به عهده داشتیم و در یک نوبت شهر تهرین و نواحی مربوط آنرا از وجود گماندر های پاکستانی پاکسازی نمودیم.

❖ در ارتباط با گسترش جبهه مقاومت علیه دشمن و انجام هر چه بهتر امور در هر صه های نظامی و سیاسی چه پیشنهاداتی دارید؟

❖ در ارتباط به گسترش جبهه مقاومت باید بگویم الحمدلله خطوط جبهات دارای نظم و انجام خاصی است بخصوص خطوط جبهات شمالی که از پرسنال قوی و با تجربه بر خوردار بوده مطمئن تر از پیش به نظر می رسد.

است، برگشتم. شا اوایل سال ۱۳۵۸ در جلب و جذب اهالی منطقه پرداختم. در ماه سرطان سال ۱۳۵۸ در سیخ لمودن مردم و هجوم بردن به پاسگاه های دولتی منجمله ولسوالی کوهبند ولایت کاپیسا، با تفنگ دست داشته شکاری خود به اشتراک رادردان آزاده هر یک شهید قوماندان محمد عارف، شهید حارثوال عبدالمبین، شهید حفار، شهید بخیار، شهید عزیز خان، شهید میر محمد، شهید ملک امان الله، شهید گل نظیر تحت سرپرستی برادر مجاهد مولوی امام جان علاقه دار محمد هاشم (حمت)، قوماندان نعل محمد زاهد و الحاج ملک در محمد نخست به مرکز ولسوالی کوهبند حمله ور شدیم و به توفیق پیروزگار در اولین ساعات، ولسوالی مذکور از کنترل دولت کمونیستی خارج و در اختیار ما قرار گرفت. بعد از تسخ ولسوالی و شلح شدن ما با سلاحهای غنیمتی، جهاد بنده آغاز شد که تا کنون نیازی خدای قادر و توانا ادامه دارد.

❖ به نظر شما تفاوت میان تجاوز شوروی و پاکستانی ها چیست؟

❖ تجاوز قوای شوروی نظیر به تجاوز فعلی تحت نام طالب دین و تطبیق شریعت، انقدر خطرناک نبوده زیرا ملت خدابست ما در آن زمان با دشمن شناخته شده روبرو بود، بنا تفاوتهای زیادی وجود دارد. شوروی دشمن آشکار و علنی ما بود ولی با نامف که اکنون آی اس آی پاکستان تحت نام بسیار مقدسی (طالب و سلا) برای سرکشی انقلاب اسلامی و

بقیه از صفحه ۱۸۰... فردا ساعت هشت صبح حمله از استقامت دره قاصبان توسط جنرال مصطفی خان شروع شد که در نتیجه شهر ده صلاح آزاد شد و هم چنان از طرف قوماندان رسول خان بالای کشن آباد شق اجرا شد که در نتیجه دشمن تلفات سنگینی را متقبل شد و بطرف بلخمری فرار نمودند.

❖ پیام شما به مردم آزاده و به اسارت گرفته شده افغانستان در شرایط کنونی چیست؟

❖ پیام بنده برای تمام ملت غیور و با شهامت افغانستان این است که تا آخرین رمق حیات خود دست به هم داده متحدانه همچو پدران و نیاکان سلفور مان به مبارزه و مقاومت علیه متجاوزین وطن، ناموس، استقلال و آزادی و دین مقدس اسلام ادامه بدید و در حفظ یک افغانستان واحد سر بلند و آزاد بکوشید.

بیابید در حفظ یک افغانستان



سر بلاند و آزادپکوشیم

جنرال خلیل اندرابی در گفتگو با خبرنگار مجله مین

دقیقی که ایشان از قوای دشمن داشتند، هدایت عقب نشینی به طرف دره جناتک و دره تلانک داده شد و هدف این عقب نشینی در این بود که دشمن وارد دره ها شود تا بتوانیم خود را شق احصا نموده و ضربه کاری بر دشمن وارد آوریم.

به تین اساس بنده با جمله مجاهدین دره های مذکور، عقب نشینی کردیم و قوای دشمن بطرف خاواک پیشروی کردند و حمله بخاطر تصرف کوتل خاواک و وارد شدن به دره پنجشیر آغاز شد و مدت سه شبانه روز جنگ خونین، جریان داشت.

دشمن درین جنگ به مقاومت شدید مجاهدین پنجشیر روی آورد و تلفات سنگینی را متحمل گردید. بنده در این مدت سه روز مصروف اکمالات، هدایات آمر صاحب و طرح ریزی موفقیت آمیز یک حمله بالایی طالبان بودم تا بتوانم کاری دقیق انجام دهم.

ساعت دوازده ظهر بود که با آمر صاحب از طریق مخایره ارتباط گرفتیم. ایشان هدایت دادند که در استقامتی که وظیفه دارید کنار را شروع کنید. بنده با جمعی از مجاهدین که از قبل آمادگی داشتیم، ساعت سه بعد از ظهر همان روز، بالاآمرکز بل حصار از استقامت دره تلانک و عتاک حمله را همزمان آغاز نمودیم و الی ساعت یک شب، به بل تعرض نمودیم که طالبان سرمخانه مقاومت می کردند.

وتیکه تعرضات ما شدت گرفت، طالبان دست و پاچه شدند دستور عقب نشینی از کوتل خاواک داده شد که ما تعمیر مخایره ایشان را کشف کرده بودیم. آخرین تعرض ما بعد ساعت یک شب آغاز شد و تا ساعت سه شب ادامه یافت که در نتیجه دشمن روخه خود را از دست داده و تلفات سنگینی بجا گذاشتند. مجاهدین حوالی ساعت سه شب وارد مرکز ولسوالی بل حصار گردیدند و فتح بزرگی نصیب مجاهدین گردید. در نتیجه ۵۰ غزاده موتر داتسون ۴۰ غزاده موتر جیب ۵ غزاده تانکر تیل ۲۰ غزاده کاماز دالغ هوا ۳ چین لسانک و ۳۰ غزاده وسایل باربری با مهمات و سلاح مختلف النوع شامل ۴۰۰ میل کلاشینکوف ۵۰

پایه راکت **RPG** ۱۰ ضرب توپ ۸۲ میلیمتری ۵۰ میل ماشیندار **PK** ۵ پایکله ا-گ -اس یا **AGS** ۳ دستگاه مخایره دور برد ۵۰ دستگاه واکمی تاکمی و مبلغ دو میلیارد افغانی پول نقد در موتر لندکروزر شخصی ملایرادر جابه جا بود به قیمت مجاهدین در آمد. هم چنان تعداد ۱۰۰ نفر اسیر و اضافه از دوجده اجساد کشته شده گان پاکستانی و طالبان در منطقه باقی مانده بود.

در ذیل مصاحبه جنرال خلیل اندرابی مسؤول ملکی و نظامی ولسوالی بل حصار اندراب را باهم می خوانیم:

● انگیزه و عوامل داخلی و خارجی پیدایش گروه متحط طالبان را در چه می دانید؟

● پیدایش گروه طالبان انگیزه خارجی داشته و علت اساسی در این بوده که پاکستان میخواهد در منطقه پسگ قدرت نظامی محسوب گردد. به این ملحوظ می خواهد در افغانستان بکه گروه مزدور و دست نشانده، قدرت سیاسی نظامی را در دست داشته باشد که توسط آنها اهداف دراز مدت خود را پیاده کند.

● می خواهیم در باره جنگ خاواک برای خواننده گان مجله مین معلومات مفصل ارائه نمائید.

● طالبان بعد از تصرف شمال افغانستان در تابستان ۱۳۷۷ و بخصوص تصرف شهر پلخیزی و مرکز ولایت پامیان، یک آمادگی فوق العاده بخاطر اشغال دره پنجشیر آخرین پایگاه مقاومت مردم افغانستان از طریق اندراب طرح ریزی کردند و شروع به تدارک یک حمله و مسیح که به زعم خودشان و به قول تصویراف یابو موسی و پلانیگادار طالبان آخرین جنگ بود، آمادگی گرفتند. تعداد پوسوتل آنان درین جنگ، اضافه از ده هزار نفر شامل تروریستان عرب، ملیشای پاکستانی و مسزوران طالبی شان بود که فرماندهی این حمله را ملا بواور بدوش داشت. و نیروی مذکور شامل مدرن ترین وسایل از قبیل تانک های مختلف النوع، سلاح های قتل و خفیف و نیروی تمام عیار هوایی از قبیل بمب افکن های پاکستانی را در اختیار داشتند.

در نیمه ماه میزان سال ۱۳۷۷ روز چهارشنبه جنگ از استقامت ولسوالی ختجان بالای مواضع مجاهدین در منطقه بانجه آغاز و از اینکه طالبان بخاطر تصفیه مکمل صفحات شمال، مورال قوی داشتند و از سوی دیگر قوای هوایی و زمینی غسوب در اختیار داشتند مجاهدین مجبور به عقب نشینی شدند و خط دفاعی در منطقه جراریشا ولسوالی بل حصار اندراب از طرف غایان ایجاد شد.

و شهر ده سلاح به تصرف طالبان افتاد که دست به کشتار دسته جمعی و کوچ اجباری مردم زدند و بعد از سری شدن سه روز، حمله وسیع را بالای خطوط مجاهدین انجام دادند که دو حمله زمینی و هوایی دشمن دفع شد. از اینکه فشار هوایی و زمینی دشمن زیاد بود بعد از تماس رادیویی با جناب آمر صاحب (احمد شاه محمود) و گزارش